

فرعی‌های نخست کوچه سالاری‌مقدم در گذشته، «قزاقخانه» و «شترخون» نام داشتند، اما به‌دلیل مجاورت با گودال دور شهر، سرنوشت دیگری پیدا کردند

شرحی بر تاریخ حاشیه «خندق»



منزل دارای ارزش ثبت میراثی در کوچه سالاری مقدم

رضا سلیمان نوری تا پیش از انقلاب مشروطه، وضعیت زندگی در شهر و روستا تفاوت زیادی با هم نداشت و در هر دو، زندگی برپایه کشاورزی، دامداری و شغل‌های وابسته به آن‌ها در جریان بود، اما با ظهور صنایع جدید، مشاغل جدید نیز ایجاد شد و در شهرها به‌مرور زندگی از وابستگی به کشاورزی و دامداری درآمد. بدین‌گونه بافت‌های شهری نیز تغییرات بزرگی را به خود دیدند و در مرحله اول، بخش‌هایی که با وجود قرار داشتن درون برج‌و باروی شهر، کاربری کشاورزی و دامداری داشتند، تغییر کاربری دادند و ابتدا به ساختارهای وابسته به حکومت یا مجموعه‌های صنعتی مشمول حمایت حکومت و سپس به ساختارهای مسکونی و تجاری تبدیل شدند. ایجاد نخستین فرعی‌های غیرین‌بست کوچه شهید سالاری‌مقدم کنونی(فرعی‌های شماره ۲ و ۳) دستخوش این‌گونه تغییر بوده است؛ فرعی‌هایی که هرچند توسط محور اصلی سالاری‌مقدم(قراولخانه قدیم) به دو بخش جنوبی و شمالی تقسیم شده‌اند، داستان ایجاد و سپس بقایشان درهم تنیده است.

- کوچه قزاقخانه و دیگر نام‌هایش در گذر زمان

مسیر مد نظر ما هرچند اکنون به دلیل تقطیع در نقشه‌های شهری بادشماره ۳ و ۲ شناخته می‌شود، به نام کلی سالاری‌مقدم معروف است که در طول عمر بیش از صدساله خود، نام‌های مختلف دیگری را هم تجربه کرده است. نخستین نام ثبت‌شده برای این کوچه در نقشه‌های موجود شهری، «خندق» است. دلیل این نام‌گذاری هم برگرفته از خندقی است که در گذشته برای محافظت از شهر، دورتادور حصار شهر کنده بودند.

در همین حال به‌دلیل ایجاد ساختمان قزاقخانه شهر در ابتدای فرعی شماره ۲(دست فضای آتش‌نشانی کنونی و زمین پشت آن) در مکاتبات دولتی، از این محور با نام کوچه «قزاقخانه» نام برده شده است، البته مشهدی‌ها در این دوره زمانی(دهه‌های نخست سده چهاردهم خورشیدی) این کوچه را به نام کوچه «پای‌بهره» یا «پشت‌بهره» نیز می‌شناختند. همچنین نامیده شدن راسته کوچه سالاری‌مقدم کنونی به نام کوچه قراولخانه، باعث شده بود این دو فرعی هم با نام قراولخانه‌های شماره ۲ و ۳ شناخته شوند. این نام‌ها تا سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب استفاده می‌شد، اما با شهادت «محمدربانی(از ساکنان قدیمی کوچه)» بخش نخست کوچه سالاری‌مقدم ۲ به نام وی مزین شد و اندکی بعد هم بخش انتهایی کوچه با شهادت دیگر ساکن این کوچه، «شهید علی دریغ» نام گرفت. کوچه شهید دریغ در سال‌های دور با نام «شترخون»

هم شناخته می‌شده است. این اسم که به‌دلیل وجود محلی برای نهر یا همان کشتن شتر در این محدوده بر آن گذاشته شده بود، هنوز هم در بین برخی قدیمی‌های محل، برای نشان دادن کوچه سالاری‌مقدم ۲ به‌کار می‌رود. این بخش البته در برخی اسناد، ازجمله قبض‌های برق و آب قدیمی با نام کوچه «باغ‌دولاب» نیز ثبت شده است. ازسوی دیگر در ابتدای بخش انتهایی کوچه سالاری‌مقدم ۳ به دلیل ختم شدن آن به کوچه وحدت ۲۲، تابلوی وحدت ۲۲/۱ نیز نصب است و همچنین یکی از فرعی‌های کوچه سالاری‌مقدم ۲ باتوجه‌به ختم‌شدن به وحدت ۱۹ این نام را در تابلوی ابتدای خود دارد.

- کوچه «قزاقخانه» تا پایان دوره قاجار

اسناد و نقشه‌های موجود از بافت قدیمی مشهد نشان می‌دهد که این محدوده تأمیانه سده سیزدهم خورشیدی، غیرمسکونی بوده است، آن‌چنان‌که اراضی آن در نقشه الدمج به صورت زمین‌های قرارگرفته در پای دیوار دور شهر ترسیم شده است و اسناد موجود از آن زمان هم کاربری این زمین‌ها را مزروعی و چند قطعه را هم دامداری دانسته‌اند. این امر را برخی سکنه قدیم محدوده نیز به نقل از اجداد خود تأیید می‌کنند و مدعی هستند که در بخش میانی کوچه(محدوده منتهی به وحدت ۱۹)، بنای یک گاوداری سنتی بزرگ که در بین مردم به نام گاوداری حاجی‌ماستی» شناخته می‌شده، وجود داشته است.

این کوچه در نقشه ۱۳۰۳ هرتسفلد نیز تاحدی



قزاقخانه بر روی نقشه سال ۱۳۲۵



موقعیت کوچه قزاقخانه بر روی نقشه سال ۱۳۰۳ خورشیدی مشهد

مشخص شده و گواهی است بر تغییر کاربری بخش مهمی از زمین‌های کنار دیوار شهر در فاصله زمانی حدود پنجاه سال. در این نقشه، کوچه مد نظر، مسیری است که از محدوده کنونی وحدت ۲۲ آغاز می‌شود و با چند شکست کوچک در بدنه، اندکی پس از کوچه وحدت ۱۹، با اتصال به کوچه‌ای منشعب شده از کوچه حوض خرابه، در محدوده‌ای که اکنون به نام میدان «محله‌راد» شناخته می‌شود، به پایان می‌رسد.

- «قزاقخانه» در دوران پهلوی‌ها

کوچه گفته‌شده در این نوشتار، بیشترین تغییر ساختاری خویش را در دوران حکومت پهلوی‌ها به خود دیده است. برابر نقشه سال ۱۳۲۵ مشهد، این مسیر دارای چهار فرعی شرقی و هفت فرعی غربی بوده است که دو فرعی شرقی و سه فرعی غربی آن بن‌بست بوده‌اند. دو فرعی غیرین‌بست شرقی به هم پیوسته بودند و به وحدت ۱۹ کنونی ختم می‌شدند، اما از بین چهار فرعی غیرین‌بست غربی، یک فرعی به کوچه صابون‌پزخانه، دو فرعی به کوچه حوض خرابه و یک فرعی هم به قراولخانه ۴ منتهی می‌شده است. وضعیت اجتماعی کوچه به‌مرور زمان تغییرات چشمگیری می‌یابد. درواقع در سال‌های نخستین پس از جمع شدن قزاقخانه از این محدوده، شرایط زندگی در آن کمی سخت شد؛ به همین دلیل برخی مشهدی‌های ساکن کوچه به نقاط دیگر مهاجرت کردند و مهاجران کرمانی و یزدی و بیشتر سیستانی، ساکن‌پلاک‌های مسکونی این محدوده شدند؛ اتفاقی که در سال‌های بعد هم برای پلاک‌های بزرگ صنعتی



نمایی ارزشمند در ابتدای کوچه رئیس الساداتی ها

کوچه رخ داد. در آن دوره، اینجا اغلب به صنایعی چون دباغی و صابون‌پزی و فلزکاری اختصاص داشت، البته پلاک‌های کشاورزی و دامداری آن هم به مسکونی تغییر کاربری دادند؛ آن‌چنان که یکی از فرعی‌های مهم این محدوده به خاندان بزرگ سیستانی‌الاصل «رئیس الساداتی‌ها» اختصاص پیدا کرد و به نام آن‌ها یعنی کوچه «رئیس الساداتی‌ها» شناخته شد.

- قزاقخانه پس از انقلاب اسلامی

شرایط کوچه قزاقخانه قدیم در سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب تا آغاز اجرای طرح بهسازی و نوسازی پیرامون حرم رضوی، تغییر چندانی را به خود ندیده است. اما با آغاز اجرای این طرح، وضعیت کوچه تغییر بسیاری کرد. پس از این دوران بود که برخی پلاک‌های قدیمی کوچه(به‌ویژه در مجاورت کوچه حوض خرابه و محله راد) تخریب و به جای آن‌ها پروژه‌های اقامتی ساخته شدند. اکنون بیشتر منازل باقی‌مانده در کوچه سالاری‌مقدم ۳ در اختیار ساکنان غیربومی است، اما قدیمی‌های این محدوده همچنان بیشتر در منازل سالاری‌مقدم ۲ به سکونت خود ادامه می‌دهند.

ناگفته نماند با اینکه بیشتر بناهای بخش شرقی سالاری‌مقدم ۲ تحت تأثیر مجاورت با بازارهای بخش انتهایی خیابان نواب صفوی کاربری انباری پیدا کرده‌اند، ولی در بخش دیگر کوچه(سالاری‌مقدم ۲) پس از زمین متعلق به شهرداری و آتش‌نشانی، مهم‌ترین کاربری غیرمسکونی این محدوده، مربوط به زائرسراهای مذهبی شهرهای استان یزد است.

- چهره‌های شاخص کوچه

شاخص‌ترین خاندان‌های ساکن کوچه قزاقخانه، خاندان بزرگ رئیس‌الساداتی هستند. این خاندان از نخستین روزهای پس از مهاجرت از زابل به مشهد، در محدوده میانی کوچه سالاری‌مقدم ۲ ساکن شدند و هنوز هم بیشتر آنان در این محدوده حضور دارند، البته برخی اعضای این خاندان که سیدابراهیم رئیسی (رئیس جمهور وقت) هم جزو آن‌هاست، با نام خانوادگی «رئیسی»، یا «رئیسیون» شناخته می‌شوند. دیگر خاندان شناخته‌شده کوچه، خانواده ربانی هستند که نام فرزند شهیدشان بر بخشی از کوچه گذاشته شده است. از خاندان دریغ که بخش دیگر کوچه به نام فرزند شهیدشان علی دریغ مزین شده است، نیز باید نام برد؛ هرچند که آن‌ها پس از تخریب‌های رخ داده در دو دهه اخیر، از این کوچه مهاجرت کردند. خاندان‌های نصراللهی، نوروزی، رضاطلب، صادقی و جاودانی را هم باید از قدیمی‌های قزاقخانه دانست که برخی از اعضای آن‌ها اینجا راترک نکرده‌اند و هنوز در آن سکونت دارند.



در قدیمیِ انتهای کوچه



کوچه رئیس الساداتی ها



مغازه قدیمی دو چرخه سازی



حسینیه آیت... اعرافی

بهار در نهر نادری

سیدی احدود ۱۵۰ سال پیش، معمولاً مسافران از دو دروازه بالاخیابان و پایین خیابان که در دوسوی «خیابان» مشهد قرار داشت و طول مسیرش به بیش از دو کیلومتر می‌رسید، وارد شهر می‌شدند. تراکم جمعیت شهر، طبق گزارش زین‌العابدین میرزای قاجار در کتاب «نفوس ارض اقدس»، در محله پایین خیابان بیشتر بود، پس اگر شمارد سفرتان، برای ورود به مشهد، از دروازه این بخش عبور می‌کردید، با غلغله جمعیت، کوچه‌های تودرتو و دست‌فروش‌های بی‌شماری رویه‌رو می‌شدید که در کنار کاروان‌سراها و نتیجه‌های پایین خیابان، در به‌در به دنبال مشتری می‌گشتند.
دروازه پایین خیابان، ورودی شرقی شهر مشهد بود و اگر مسافری قصد می‌کرد از ورودی غربی

فتو مشهد

خبر سوخته

آرسن لوین وطنی!

زینبی! شاید تصور کنیم کلاهبرداری‌های آن چنانی متعلق به زمان ماست که انواع شیادی مجازی، پیامکی و حضوری فراوان شده است و شبادان از شگردهای نوین بهره می‌گیرند تا پولی به جیب بزنند و دمار از روزگار مردم ناآگاه درآورند. در یکی از آخرین پرونده‌ها که مال باختمان زیادی داشت و در رسانه‌ها نیز به آن زیاد پرداخته شد، شاهد بودیم که مالک کوروش کمپانی چطور پول افراد زیادی را چاپید و گریخت. اما باید بدانید که این‌گونه اتفاقات مختص اکنون نیست و در گذشته‌ها(حدود هشتاد سال پیش) هم سابقه داشته است. در یکی از این ماجراها که در سال ۱۳۲۷ رخ داده و روزنامه آزادی در یکم مهر آن را منعکس کرده است. کلاهبرداری با استفاده از ایده فروش بلیت نمایش به نفع زندانیان مشهد، تعداد زیادی را گرفتار می‌کند. در ظاهر و ابتدای خبر به نظر می‌رسد که پایان این اتفاق خوش بوده و به دستگیری کلاهبردار منجر شده است، اما در پایان خبر، ماجرا طور دیگری رقم می‌خورد.

روزنامه آزادی این اتفاق را این‌گونه شرح می‌دهد: «چند روز قبل، جوان کلاهبرداری که خود را پرویز جباروزیری(بدون شناسنامه و محل) معرفی می‌کرد، از طرف اداره شهربانی به زحمت پیدا و جلب گردید». آزادی درباره علت دستگیری این شیاد که در آن زمان خلاقانه بوده است، توضیح می‌دهد: «زیرا مشارالیه کاغذ نامه به مارک جنگجویان تبریز به نفع زندانیان مشهد چاپ کرده و با آن مارک عجیب، شروع به نامه‌نویسی و فروش بلیط [بلیت] به عنوان دادن نمایشی به نفع زندانیان مشهد کرده است.»

طبق اظهارات متهم، او بیش از ۲ هزار و چند صد ریال بلیت فروخته است. اما زمانی که به دست مأوران قانون می‌افتد، فقط مبلغ هشتاد تومان همراه داشته و بقیه این پول را خرج کرده است تا دست مال باختمان به جایی بند نباشد. سرور مردم بیچاره نیز خیلی زود به غم تبدیل می‌شود، زیرا کلاهبردار چند روزی بیشتر در حبس نیست و بعد از آن، رها و سپس گم می‌شود. روزنامه آزادی در ادامه این ماجرا، از دیگر کلاهبرداری‌های این شخص برده برمی‌دارد و می‌نویسد: «به قرار معلوم در شهرهای اصفهان و شیراز و بعضی شهرهای فارس هم به نام وارپته طلایی بلیط‌هایی فروخته، پول‌ها را بلند کرده و فرار کرده است. این کلاهبردار که آنجا خود را به نام اسماعیل جباروزیری و عضو سابق زاندارمری معرفی کرده است، گویا در زنجان و بعضی نقاط دیگر هم این کلاهبرداری‌ها را کرده است. این جوان لاغر اندام موحناایی میانه‌بالا از آن شارلاتان‌هایی است که می‌تواند در همه‌جا با این نارسایی قوانین ما، کلاه‌های کلان بر قیمتی از مردم برداشته و کلاه‌های عجیبی بر سر مردم بگذارد.»

در پایان این خبر، جریده آزادی درخواستی را نیز مطرح می‌کند: «خوب است شهربانی کل کشور، این آرسن لوین وطنی و مرد امروز را به شهربانی‌های شهرستان‌ها بشناساند تا همه‌جا را به روز اصفهان و شیراز و آباده و مشهد نشانند.»

مشاغل قدیمی

یاد طبق کش‌ها در بازار قدیم



سیده ساجدی‌نیا! مشهد به دلیل وجود مزار مطهر حضرت رضا^(ع)، از قدیم یک شهر مذهبی و دارای احترام بوده است. پرواضح است که وجود این موهبت، سبب ایجاد تفاوت‌هایی در آن با سایر ولایات ایران می‌شده است. یکی از این تفاوت‌ها، وجود مشاغل در آن بوده که در دیگر شهرها و آبادی‌ها، اصلاً نبوده یا کمتر دیده می‌شده است؛ البته مشاغلی نیز وجود داشتند که علاوه بر ارض اقدس در همه نقاط ایران یافت می‌شد. در سطرهای بعدی، چند نوع از این مشاغل را معرفی می‌کنیم.

- طبق‌کش

طبق‌کش به باربرهایی می‌گفتند که با گذاشتن طبق روی سر، بار می‌بردند. طبق‌های گرد بیشتر برای جابه جایی میوه و طبق‌های دراز که به خوانچه معروف بودند، برای حمل شیرینی جات و جهاز عروس و تشریفات شب چله استفاده می‌شدند. طبق‌کش‌ها باید قوی و گردن‌گلفت می‌بودند، یک لنگ حمام روی سرشان می‌پیچیدند. دوزانو می‌نشستند و پس از قراردادن طبق‌ها روی لنگ بالای سرشان از یک نقطه به نقطه دیگر شهر راه می‌افتادند.

- علاف

به کسی که پیشه‌اش خرید و فروش خوراک حیوانات اهلی و تأمین سوخت شهری‌ها بود، علاف می‌گفتند. در مشهد قدیم، شمار قابل توجهی حیوان در شهر نگهداری می‌شد که برای تغذیه آن‌ها روزانه چند صد خروار علوفه، کاه و جو مصرف می‌شد. برای سوخت منازل و تنور نانوایی و گلخن حمام‌ها هم مقدار زیادی هیزم و زغال لازم بود که علاف‌ها از روستاها به شهر می‌آوردند و می‌فروختند. هر علاف یک کاروان سرا و چند انبار داشت.

- علاقه‌بند

علاقه‌بندها از ابریشم و نخ‌های نازک و الوان، قیطان می‌بافتند و با گره‌زدن قیطان، برای لباس‌های گران بها و پرده‌ها منگوله درست می‌کردند. یکی از کارهای علاقه‌بندها بافتن تور برای حمل بار بود که این تورها به دو طرف حیوان بارکش آویزان می‌شدند. تور ماهیگیری و تورهای کوچک‌تر برای کبوتربازان را نیز علاقه‌بندها تهیه می‌کردند.

- صحاف

کسی که کتاب‌های ازهم‌گسیخته و ضایع شده را مرمت و کتاب‌های تازه را شیرازه‌دوزی و جلد می‌کرد، صحاف نامیده می‌شد. صحاف برای اصلاح یک کتاب ازهم‌گسیخته، ورق‌هایش را ازهم جدامی‌کرد و با وصله و صاف‌کردن ورق‌های پاره و تاخورده به صورت جداجدا با کاغذ هم‌رنگ، صفحه‌ها را دوباره روی هم قرار می‌داد. پس از آن به اول و آخرش شنبه‌رگ کاغذ نا نوشته و سفید هم‌رنگ اضافه و با سوزن و نخ، آن را ته دوزی می‌کرد و شیرازه می‌زد.